

مقدمه

با اجازه moha و سایر دوستانی که در این قسمت زحمت ترجمه مطالب را کشیدند مطالب ترجمه شده ام را از ابتدا به صورت پیوسته شروع می کنم.

شاید بزرگترین راز یک معامله عالی و سرمایه گذاری موفق به مدیریت سرمایه اختصاص دارد. من آن را راز می نامم زیرا تعدادی از افراد وانمود می کنند که آن را می فهمند و این شامل خیلی از کسانی که در این زمینه کتاب نوشته اند نیز می شود.

عده ای از افراد آن را کنترل ریسک می نامند، تعدادی آن را تقسیم سرمایه و عده دیگری آن را با عنوان چگونه سرمایه گذاری خردمندانه داشته باشیم می نامند.

اگر چه مدیریت سرمایه کلید یک معامله عالی و یک سرمایه گذاری است که به سادگی با محاسبات عددی به ما می گوید که چه مقدار و با چه نسبتی از هر پوزیشن در بازار استفاده کنید.

خیلی مسایل روانشناسی وجود دارد که مردم را تحت تاثیر قرار می دهد و از بکار گیری مدیریت سرمایه در ارتباط با آنان جلوگیری می کند.

به علاوه ملاحظات دیگری نیز وجود دارند از قبیل درک نکردن مدیریت سرمایه یا نداشتن سرمایه کافی برای بکار گیری مفهوم مدیریت سرمایه.

من این گزارش را نوشتم تا به شما یک درک کامل از موضوع بدهم و به شما انواع مدل های مدیریت سرمایه را نشان بدهم.

این مورد سود بخش ترین عاملی است که تا به حال راجع به آن دانسته اید. با وجود اینکه تلاش کردم فهمش آسان باشد اما این اصول پیچیده هستند. در صورتیکه بر تمام مثال ها مسلط شدید آن ها را بسیار با ارزش خواهید یافت.

Van K. Thrap .ph.D

بخش اول

جان از اینکه نمی دانست طی سه روز گذشته چه اتفاقی در مارکت افتاده است وحشترده به نظر می رسیداو 70% سرمایه اش را از دست داده بود.

او آشفته بود اما باز هم خودش را قانع می ساخت که می تواند پولش (سرمایه اش) را برگرداند. قبل از اینکه این اتفاق برای او بیفتد او 200% سود کرده بود.

هنوز \$4500 از حساب او باقی مانده بود. توصیه شما به جان چیست؟

توصیه شما باید این باشد: "سریعا از مارکت خارج شو تو پول کافی برای معاملات اندیشمندانه و اصولی نداری."

اگر چه افراد سعی می کنند موفقیت را در زمان کوتاهی کسب کنند و فکر می کنند آن ها می توانند از یک حساب \$5000 با \$10000 ظرف یک سال یا کمتر 1 میلیون دلار به وجود آورند . سرانجام این تلاش مشخص است.

Ralph Vince آزمایشی را بر روی 40 دکتر انجام داد . این ها افرادی بودند که هیچ شناختی از علم آمار یا ترید نداشتند . به هر 40 دکتر یک بازی کامپیوتری داده شد.

آنها با \$10000 شروع کردند و به هر کدام از آنها 100 بار فرصت بازی داده شد. آنها 60% مواقع برنده می شدند. زمانی که برنده می شدند بر اساس مبلغ ریسک مورد نظر برنده می شدند و زمانی که می باختند نیز بر حسب ریسک مورد نظر می باختند.

این بهترین نوع بازی است که شما میتوانید در لاس وگاس پیدا کنید . حدس میزنید چند نفر از این 40 نفر در پایان 100 بازی سود کرده بودند؟؟؟

وقتی نتایج جدول بندی شد 38 نفر از آنان پولشان را از دست داده بودند و تنها 2 نفر سود کرده بودند . تصورش را

بکنید **95%!!!!!!! آنان پولشان را از دست داده بودند.**

چرا؟؟

دلیل باختشان این بود که آنها پس از هر باخت مانند استدلال قمار بازها رفتار می کردند و **این نتیجه مدیریت سرمایه ضعیف است.**

فرض کنید شما در هر بازی \$1000 ریسک را قبول می کنید. شما 3 بار پیاپی می بازیید (که این یک احتمال در بازی است) حالا شما \$7000 دارید و با خود فکر می کنید:

"من 3 باخت پیاپی داشته ام بنابر این الان آماده برد هستم"

این طرز فکر یک قمار باز است زیرا شانس شما برای برد هم چنان 60% است. به هر حال شما تصمیم به شرط بندی روی \$3000 می گیرید چرا که شما هم چنان مطمئن به بردتان هستید.

شما مجددا می بازیید و حالا شما تنها \$4000 دارید. شانس شما برای کسب پول کمزنگ تر شده است، زیرا شما برای اینکه به نقطه سر به سر برسید نیاز به 150% سود دارید.

اگر چه احتمال 4 باخت متوالی بسیار بعید است (0.256) (**مترجم: به شش تا 13 باخت پیاپی هم داشته ام**)

اما در یک بازی با 100 بار آزمایش ممکن است اتفاق بیفتد. راه دیگری نیز وجود دارد که آن ها پول خود را از دست بدهند. بیایید فرض کنیم که آن ها \$2500 در هر بازی شرط بستند.

بعد از 3 باخت پیاپی حساب آن ها به \$2500 کاهش می یابد. حالا آن ها برای جبران به 300% سود نیاز دارند و احتمالا قبل از اینکه به نقطه سر به سر برسند تمام پولشان را از دست می دهند.

در هر دو مورد آن ها در رسیدن به سود در این بازی ساده ناموفق عمل کردند زیرا این اشخاص ریسک زیادی از پول خود را متحمل شدند.

دلیل روانشناسی این اتفاق ریسک بیش از اندازه آنها بود. در بسیاری از موارد حرص و طمع باعث شکست است. اگر چه از دید ریاضی باخت آنان به دلیل ریسک بیش از اندازه بر روی سرما به شان بود.

به عنوان نمونه اکثر افراد با حساب های بیش از حد کوچک به این بازار وارد می شوند. سرمایه پائین \$50000 یک سرمایه کوچک محسوب می شود. اما میانگین حساب افرادی که حساب باز می کنند بین \$5000 تا \$10000 است.

در نتیجه این افراد به علت حجم پائین سرمایه، مدیریت سرمایه ضعیفی دارند و به علت سبک حسابشان ریسک زیادی را متحمل می شوند.

به جدول پیوست نگاه کنید و دقت کنید که برای پوشش هر درصد ضرر چه مقدار سود نیاز است. برای مثال از دست دادن حدودا 20% از سرمایه به سود نسبتا متناظری برای جبران نیاز دارد.

اما کاهش 40% سرمایه به 66.7% برای رسیدن به نقطه سر به سر نیاز دارد و 50% کاهش سرمایه نیازمند کسب 100% سود است.

ضرر های در حدود کاهش 50% حساب و بیشتر به مبلغ بالا و غیر محتمل سود برای برگشت به نقطه سر به سر یا even نیاز دارد.

در نتیجه شما هنگامی که شمار ریسک زیادی متحمل می شوید و ضرر می کنید شانس شما برای جبران خیلی ضعیف است.

Drawdowns	Gain to Recovery
5 Percent	5.3% Gain
10 Percent	11.1% Gain
15 Percent	17.6% Gain
20 Percent	25% Gain
25 Percent	33% Gain
30 Percent	42.9% Gain
40 Percent	66.7% Gain
50 Percent	100% Gain
60 Percent	150% Gain
75 Percent	300% Gain
90 Percent	900% Gain

Table 1 • Recovery after Drawdowns

Managing other people's money

در بازار فیوچرز، زمانی که حساب شما کاهش می یابد به آن یک Draw down گفته می شود.

فرض کنید شما در 15 آگوست یک حساب \$50000 باز می کنید. بعد از یک ماه و نیم موجودی شما افزایش می یابد. در 30 سپتامبر به نزدیکی \$80000 می رسد و شما تا اینجا 60% حسابتان را سود کرده اید.

فرض کنیم در اینجا شما پوزیشن باز دارید و به قول حرفه ای ها: حساب شما در پایان ماه توسط بازار تعیین می گردد. حال فرض کنیم در 6 اکتبر یک کاهش حساب تا \$60000 دارید.

به خاطر بحثمان بیائید فرض کنیم اکانت شما در پایان اکتبر \$60000 می باشد.

شما یک کاهش حساب از بالاترین قیمتی که حساب در آن قرار گرفته بود به قیمت فعلی داشتید (Peak-to-through draw down).

نقطه قله: \$80000، نقطه فعلی: \$60000

\$80000 - \$60000 = \$20000 یا 25%

علی رغم اینکه همه معاملات شما در حالت برنده قرار داشتند ما این کاهش سود را داشتیم.

در اینجا شما در واقع 2000\$ یا 25% از دست داده اید. بیایید فرض کنیم شما در مجموع معاملات مقداری ضرر دیگر متحمل می شوید و حساب شما به 52000\$ کاهش می یابد، و در نظر بگیریم که مبلغ حساب هرگز به بالاتر از 80000\$ نرسیده است.

بنابراین شما 28000\$ کاهش موجودی یا Draw down داشته اید که 35% است (35% از 80000\$). در نهایت مجموعاً در یک سال شما 4% سود کرده اید.

$$52000\$ = 4\% * 5000\$$$

شما تنها 2000\$ کسب کردید. در واقع این در حالتی است که حساب شما برآیند مثبتی داشته و تنها مقداری از سودتان ضرر کردید.

با این وجود مدیریت سرمایه شما به طرز وحشتناکی ضعیف است. از دیدگاه مدیران سرمایه این بدترین Draw Down در یک حساب است.

شما 28000\$ پول از دست داده اید. **یک ضرر واقعی.**

شما می توانستید 28000\$ بیشتر داشته باشید. پرفورمنس معاملات شما و نسبت سود/ضرر بهترین وسیله اندازه گیری است.

(Reward پاداش) همیشه ترکیبی از نرخ سود سالانه بازگشتی شماست. در مثال ما در یک سال کاری این نسبت 4% بود.

(Risk ضرر) در اینجا شامل Draw down کاهش شیب حساب از بالاترین نقطه موجودی حساب (80000\$) در یک سال کاری است که در مثال ما 35% بود.

پس نسبت Reward/ Risk این معامله گر:

$$\text{Draw down} \div 0.35 = 28000\$ / 80000\$ = \text{DD}$$

$$0.114 = 4 / 35 = 0.04 / 0.35$$

این یک نسبت وحشتناک است. عموماً برای یک مدیریت سرمایه مناسب این نسبت باید 2 یا حتی بالاتر باشد.

مثال دیگر: فرض می کنیم شما یک اکانت \$50000 دارید که آن را به \$58000 می رسانید سود سالانه شما در اینجا 16% است.

فرض کنیم ابتدا شما اکانتتان را به \$53000 می رسانید و سپس به \$52000 و در آخر به \$58000. در اینجا:

$$DD=1000/53000=0.018*100=1.8=Risk$$

$$Reward/Risk=16/1.8=8.5$$

اکثر افراد دوست دارند به چنین نسبت هائی برسند. شما می توانید برای بالا بردن نسبت Risk-Reward هدف

داشته باشید، شما می توانید برای بازگشت ها هدف داشته باشید یا حتی می توانید به صورت دیوانه وار عمل کنید و

مثل تحقیق دکتر مثال ما بازی کنید و بیشتر پولتان را به خاطر ریسک بیش از حد در معاملاتتان از دست بدهید.

جالب است بدانید که طبق تحقیقات به عمل آمده، مدیریت سرمایه مسئول 91.5% بازدهی 82 صندوق بازنشستگی بزرگ در یک بازه زمانی 10 ساله بوده اند.

همچنین این تحقیق نشان میدهد که تحلیل و انتخاب بازار و زمان بندی، مسئول کمتر از 10% بازدهی بوده اند.

نتیجه پایانی اینکه مدیریت سرمایه یک عامل اساسی و بحرانی در معاملات و تصمیم گیری در سرمایه گذاری هاست.

حالا شما اهمیت مدیریت سرمایه را بهتر می دانید، اجازه بدهید به مدل های مختلف مدیریت سرمایه نگاهی بیندازیم. شما می توانید ببینید که مدل های مختلف مدیریت سرمایه چگونه کار می کنند. بسیاری از مثالها از بازار فیوچرز انتخاب شده اند. اما این مدلها در تمامی بازارها به خوبی می توانند استفاده شوند.

مثالها در مورد قراردادهای 100 سهم یا هر هدف دیگری همان کاربرد را دارد.

Money Management Defind

به نظرم مدیریت سرمایه مهمترین بخش از یک سیستم معاملاتی است. گروهی از حرفه ای ها و بیشتر آماتورها علت مهم بودن آن را نمی فهمند.

اخيرا در سميناري كه براي بروكرهاي سهام برگزار مي شد شركت كردم كه شامل جزئيات يك روش سرمايه گذاري منحصر به فرد بود كه آنها مي توانستند از آن براي كمك به مشتريانشان استفاده كنند.

در كل سمينار من نتوانستم به تعريف درستي از صحبتها برسم. يكي از سخنرانان درباره مديريت سرمايه صحبت مي كرد كه من به هيچ وجه ارتباط سخنان او با مبحث را متوجه نشدم.

در پايان صحبتهايش من از او پرسيدم "مفهوم مديريت سرمايه چيست؟" او پاسخ داد:
سوال خيلي خوبي بود من فكر مي كنم مديريت سرمايه به شما مي گويد چطور درباره معاملاتان تصميم بگيريد.

از آنجا كه مديريت سرمايه در عملکرد ضعيف و عملکرد عالي متفاوت است (تفاوت بين ورشكستگي و يك حرفه اي موفق شدن) مهم است كه در همين جا تعريف شود. لطفا به متن زير توجه كنيد:

مديريت سرمايه بخشي از سيستم معاملاتي شماست كه به شما مي گويد:

"چه تعداد" يا "چقدر"

چه تعداد واحدی (لات) از سرمایه گذاری شما در اینجا قرار بگیرد؟ چقدر ریسک کنید؟
گذشته از نتیجه روان شناسی بحث، این مهم ترین مفهومی است كه شما به عنوان يك معامله گر يا سرمايه گذار نیاز دارید.
این يك مفهوم حیاتی است زیرا كه سوال "چقدر" عامل سود و زیان شما را تعیین می كند. به علاوه شما نیاز به توزیع (پراكندن) يك تعداد متفاوت از سرمايه گذاری دارید. هم چنین شما در سیدتان نیاز به معاملات و سرمايه گذاری های گوناگونی دارید تا به شما يك شانس متعادل برای كسب درآمد بدهد.

زمانی كه كتاب "جك شواگرز" با نام Market wizard را خواندم كاملا محسوس شدم. كتابی كه او با تعدادی از بهترین معامله گران و سرمايه گذاران محاسبه کرده بود. همگی آنها درباره اهمیت مديريت سرمايه صحبت کرده بودند.

در اینجا تعدادی از آنها نقل قول می شود:

"مديريت ريسك مهمترين چيزی است كه تا به حال فهمیده ام Under trade، Undertrade، این دومین نصیحت من است. زمانی كه شما فكر كرديد كه باید پوزیشن بگيريد با نیمی از حجم مورد نظرتان وارد پوزیشن شوید"

Bruce Kovner

"هرگز بیش از 1% کل حسابتان را در هیچ معامله ای ریسک نکنید. با ریسک 1% من در مورد هر معامله منحصر به فردی خونسرد هستم."

Larry Hite

"ضررهایتان را کوچک کنید و سرمایه تان را برای معاملات بهتر نگاه دارید. این مساله موجب می شود که سرمایه تان را برای معاملات بهینه حفظ کنید."

Richard Denis

قماربازان حرفه ای با پیشبینی احتمال با وقوع پائین بازی می کنند. یا حتی گاهی با احتمال منفی، آنها از مهارت های ساده ای استفاده می کنند و با دانشی که دارند سعی می کنند آهسته جلو بروند.

آنها(قماربازان) به وضوح فهمیده اند که کلید موفقیت شان مدیریت سرمایه است. مدیریت سرمایه برای قماربازان به دو نوع سیستم تقسیم بندی می شود:

Martingle (و Antimartingle توضیح: معادل فارسی مناسبی برای این دو کلمه نیست می توان به جای Martingle از شرط بندی و به جای آنتی Martingle از عدم شرط بندی استفاده کرد. در اینجا از دو کلمه فوق بدون ترجمه استفاده نمودم)

سیستم Martingle زمانی که شما روی نوار باخت هستید روی احتمال برد ریسک بیشتری می کند.

برای مثال فرض کنید که شما در چرخ رولت قرمز و سیاه بازی می کنید، شما برای هر دلاری که ریسک می کنید یک دلار می پردازید. اما شانس برد شما در هر شرط بندی کمتر از 50% است.

در سیستم شرط بندی شما فکر می کنید که به واسطه مدیریت سرمایه شانس پول در آوردن را دارید. این فرض موقعی است که شما بعد از یک سلسله ضرر سرانجام می برید و این فرض درست است **شما سرانجام می برید.**